خبر

تعرفه ترجیحی واردات پوشاک از ترکیه حذف شد

● **ایسنا:** سرانجام پس از نارضایتی و اعتراضات فعالان صنعت نساجی نسبت به تعرفه ترجیحی با ترکیه در زمینه پوشاک، این تعرفه پس از بازنگری، در کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۹۵ حذف شده است. به گفته احمد کیمیایی‌اسدی، نایب‌رئیس کمیسیون تسهیل کسب‌وکار اتاق بازرگانی، ترکیه بیشترین قاچاق صنایع نساجی را به ایران دارد و بعد از برقراری تجارت ترجیحی با این کشور، روند قاچاق پوشاک ترک با سهولت بیشتر و در سطح وسیع‌تری انجام می‌شود. به گفته این فعال صنعت نساجی، آمارها نشان می‌دهد هزاران برابر بین آنچه ترکیه از صادرات پوشاک خود به ایران می‌گوید، با آنچه در بازار ما از واردات پوشاک ترکیه وجود دارد، اختلاف است، اما مهدی رئیس‌زاده، دبیرکل انجمن نساجی، خبر حذف تعرفه ترجیحی پوشاک با ترکیه را تأیید کرده و معتقد است حذف تعرفه پوشاک با ترکیه می‌تواند آثار خوبی برای صنایع نساجی در داخل به همراه داشته باشد و شرایط بهتری را برای بازار داخل نسبت به گذشته رقم خواهد زد.

عرضه مسکن ۲۰ برابر تقاضاست

● **ایسنا:** بررسی آمار عرضه مسکن نسبت به خانه‌های فروخته‌شده در مشاوران املاک شهر تهران نشان می‌دهد عرضه ۲۰ برابر تقاضاست. جست‌وجوی فایل‌های دفاتر مشاور املاک از هجوم عرضه حکایت دارد و در مقابل، آنچه منجر به خرید می‌شود، قطره‌چکانی است. در اغلب دفاتر، تقاضا برای فروش ۲۰ برابر بیشتر از تقاضا برای خرید است. البته حسام عقبایی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران، اواخر سال گذشته از افت ۹۰درصدی خرید مسکن در سه سال اخیر خبر داد. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد دفاتر مشاور املاک، روزهای بدون مشتری را سپری می‌کنند و به گفته یکی از کارشناسان مشاور املاک در شمال پایتخت، بسیاری از دلالان از این شغل خارج شده‌اند. به گفته او روند ریزش کارشناسان مشاور املاک از سه سال گذشته آغاز شده و در سال ۹۴ شدت گرفته است. علت خروج شاغلان املاک از این بخش نیز به یک مسئله مربوط می‌شود: نبود مشتری. همچنین آمار خرید و فروش یکی از سایت‌های فروش مسکن شهر تهران نشان می‌دهد خانه‌های عرضه‌شده در این سایت در فروردین ماه ۳۷هزار و ۳۵۵ مورد و در مقابل، واحدهای فروش‌رفته هزار و ۸۶۸ مورد بوده است.

رونق دوباره بازار مسکن در نیمه نخست امسال

● **ایرنا:** مدیرعامل بانک مسکن با تأکید بر اینکه رونق بازار مسکن به رشد اقتصادی بستگی دارد، گفت: شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد، از نیمه نخست امسال به‌تدریج شاهد رونق بازار مسکن در کشور خواهیم بود. محمدهاشم بت‌شکن رونق بازار مسکن را مستلزم خروج اقتصاد ملی از رکود دانست و افزود: براساس پیش‌بینی‌ها، اقتصاد ملی در سال ۹۵ به رشد چهار تا پنج‌درصدی دست می‌یابد. وی با بیان اینکه خروج بازار مسکن از رکود نیازمند اقدامات عملی است و باید اقتصاد ملی نیز از رکود خارج شود، یادآور شد: این دو مقوله اقتصادی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و روی هم بسیار تأثیرگذارند.

صادرات روزانه ۶۰ هزار بشکه نفت ایران به یونان

● **مهر:** مدیر امور بین‌الملل شرکت نفت با اشاره به آغاز صادرات نفت ایران به یونان، اعلام کرد: روزانه ۶۰ هزار بشکه نفت به این کشور اروپایی صادر می‌شود. سیدمحسن قمصری درباره آخرین وضعیت صادرات نفت خام ایران به یونان، گفت: براساس توافقی که با شرکت «هلنیک پترولیوم» انجام شده، صادرات نفت خام ایران به این کشور اروپایی آغاز شده است. مدیر امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران از صادرات روزانه ۶۰ هزار بشکه نفت خام به این کشور اروپایی خبر داد و افزود: یونان یکی از بازارهای سنتی نفت ایران پیش از اعمال تحریم‌هاست که صادرات نفت به این کشور اروپایی به‌تازگی کلید خورده است.

بازنگری قانون تجارت از پارسال مسکوت مانده است

● **فارس:** عضو هیأت‌رئیسه اتاق بازرگانی ایران گفت: قانون جدید تجارت از شورای نگهبان برگشت خورد و یک‌سال است که بازنگری آن مسکوت مانده، درعین‌حال حذف کارت بازرگانی به‌تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند و اجرای طرح جامع مالیاتی و تجارت الکترونیکی، سوءاستفاده از کارت بازرگانی را به حداقل می‌رساند. پدرام سلطانی در پاسخ به اینکه بالاخره بازنگری در قانون تجارت به کجا رسید، این‌گونه توضیح داد که قانون تجارت قانون مفصل و مبسوطی است که بیش از هزارو ۲۰۰ ماده دارد و مجلس سال گذشته تصویب کرد که مشمول اصل ۸۵ شود تا جزئیات آن به دلیل زمان‌بربودن به کمیسیون حقوقی مجلس واگذار شود. وی اضافه کرد: کلیات این قانون در صحن مجلس تصویب و به شورای نگهبان فرستاده شد اما شورای نگهبان اعلام کرد که قوانین مادر نمی‌توانند مشمول اصل ۸۵ باشند و باید ماده‌به‌ماده آن در صحن مجلس تصویب شود.

وزیر اقتصاد زیر فشار «نانوشته‌ها»

ادامه از صفحه ۵

این هیاهوها به‌حق نبود؟

ببینید باید در واگذاری هدف را مشخص کنید. می‌خواهیم اقتصاد رشد کند یا نه. در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند بنگاهی که نمی‌تواند روی پای خودش بایستد، به صورت مشروط به تیمی قوی واگذار شود که اشتغال و توسعه را بیشتر کند. در کشور ما متأسفانه اتفاقی که می‌افتد این است که مثلا فردی از بخش خصوصی بنگاهی را با هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان خریداری کرده اما به صورت نانوشته اجازه نمی‌دهند به آن شهر وارد شود.

در ماجرای المهدی این اتفاق افتاد؟

المهدی و بقیه.

چرا؟

اجازه نمی‌دهند فردی که بنگاهی را خریداری کرده، به آن شهر برود؛ به این دلیل که تعداد زیادی که اهل همان شهر بودند از آن بنگاه سود می‌برند و منفعتشان در آن است. یک کارخانه در شهری است و همه از آن روزی دارند. اگر این کارخانه به بخش خصوصی واگذار شود، دیگر فرزندان و آشنایان نمی‌توانند در آنجا کار کنند. اهالی شهر و دولتی‌ها و غیردولتی‌ها با این کار مخالفت می‌کنند. جایی وزیر اقتصاد زورش به وزیر کناردستی‌اش نمی‌رسد. استاندار، فرماندار، نماینده‌ها و... به صورت نانوشته، کسانی را که بنگاه خریداری کرده‌اند، اذیت می‌کنند.

این سنگ‌اندازی‌ها که به آن اشاره می‌کنید، به چه شکل است؟

به اشکال مختلف. مثلا نهادهای نظارتی حامی این افراد نیستند. یا افراد و گروه‌ها به روش‌های نانوشته همکاری نمی‌کنند. در قضیه المهدی هم دولت و هیأت واگذاری ایستادگی کردند. وزیر دادگستری هم خیلی تلاش کرد. اما همه اینها مشکل‌ساز است. بار قبل هم آقای جابر انصاری بود که المهدی را خرید و دوباره پولش را پس گرفت. یکی، دو بار دیگر این اتفاق بیفتد، کسی پیش نمی‌آید. تیمی ارزش‌گذاری و قیمت تعیین می‌کند. بعد گروه دیگری به این قیمت اعتراض می‌کند. بعد قضیه را کش می‌دهند. البته ارزش‌گذاری هم به این راحتی نیست. یک بنگاه را با موجودی انبار و بدهی‌هایش تعیین قیمت می‌کنند. متأسفانه بنگاه‌های ما هم شفافیت ندارند. وقتی خیلی از بنگاه‌هایی را که در بازار سرمایه سودآور هستند بررسی می‌کنید، می‌بینید با واقعیت هماهنگ نیست.

به‌طور کلی چقدر از سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی اجرائی شد؟

اصلا بند «ج» کم‌ارزش‌ترین بند در بین بندهای دیگر بود. برآوردها این بود که کل بنگاه‌های واگذاری که قرار بود واگذاری شود، ۱۵۰ تا ۱۷۰ هزار میلیارد تومان است که اصلا برای اقتصاد ایران عددی نیست. بند «الف» داشتیم که اصلا مغفول ماند. بند «الف» می‌گفت دولت بزرگ‌تر نشود که شد. اکنون طبق شاخص‌ها و اتفاقات، مشخص است که دولت بزرگ‌تر شده است. نسبت بودجه شرکت‌های دولتی به بودجه کل کشور، تقریبا به‌صورت ثابت افزایش پیدا کرد. اشتغال بخش دولت تغییری نکرد. در سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، جایی اشاره شده بود دولت در جاهایی از مجلس مجوز بگیرد و بنگاه‌های درحال‌ساخت را حمایت و بعد از بهره‌برداری، واگذار کند. به این طریق آتویی در دست مجلس و دولت گذاشته شد. از یک طرف در بند «ج» واگذار می‌کردند، از طرف دیگر دوباره مجوز دولتی می‌دادند. بعد قرار بود آزادسازی‌های اقتصادی اتفاق بیفتد و بخش خصوصی توسعه پیدا کند. اگر به سهم بخش خصوصی از اقتصاد نگاه کنید، درست است که عددی از این سهم در اقتصاد ایران نداریم، اما شاخص‌های کمکی را که نگاه کنیم، می‌بینیم سهم بخش خصوصی در اقتصاد ایران در بند «الف» بیشتر که نشده، کمتر هم شده. بند «ب» که کاملا مغفول ماند. قرار بود سهم بخش تعاون از اقتصاد در پایان برنامه پنجم، ۲۵ درصد شود. اصلا عدد و رقم نداریم و نمی‌دانیم سهم بخش تعاون و خصوصی در اقتصاد ایران چقدر است. ولی به نظر می‌رسد این سهم کمتر از پنج درصد است.

چرا این آمارها وجود ندارد؟

باید تولید می‌شد ولی نمی‌کنند. دولت گذشته تولید نکرد. بعد از ابلاغ این سیاست‌ها در شورای‌عالی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در اولین جلسه مصوب شد دولت آمار ۴۲ شاخص را تولید کند که بتوانیم ارزیابی کنیم اما این کار انجام نشد. دولت به سمت بند «ج» رفت و سایر بندها را کنار گذاشت. دولت گذشته اصلا اعتقادی به سایر بندها نداشت. بند «ج» فقط واگذاری بود. همه در کشور فکر می‌کنند اصل ۴۴ یعنی واگذاری. کسی نمی‌داند که بند «ج» در بین این پنج بند، کم‌ارزش‌ترین است. چون کل عددش ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است. در دو سال و اندی گذشته حدود صد هزار میلیارد تومان به مردم یارانه پرداخت شده است. این همه سروصدا نیاز ندارد. آن‌قدر بند «ج» در اقتصاد پررنگ شد که بقیه کم‌رنگ شدند. قرار بود طبق بند «الف» فضای کسب‌وکار بهتر شود، آزادسازی اقتصادی صورت بگیرد، به بخش خصوصی امنیت بدهیم که وارد میدان شود و دولت بزرگ‌تر نشود. چه فایده‌ای دارد از یک طرف مدام واگذاری صورت بگیرد و از طرف دیگر دولت بزرگ‌تر شود؟ قرار بود سهم تعاون ۲۵ درصد شود و اکنون کمتر از پنج درصد است. در دولت گذشته، هیچ عزمی برای توسعه بخش تعاون نبود. کارهایی صورت گرفت و بانک توسعه و تعاون راه‌اندازی و تعاونی‌های حمل‌ونقل ایجاد شد. اینها بی‌ارزش بود. سند تعاون تنظیم و ابلاغ شد اما همتی برای توسعه بخش تعاون نبود.

آیا عمدی در تولیدنکردن آمار در دولت قبل وجود داشت؟

اگر آمارها تولید می‌شد، طبیعتا زیر سؤال می‌رفت. نمی‌دانم این کار با عمد صورت گرفته است یا نه. می‌توانم بگویم قصور بوده است. در مجموع شاخص‌های ارزیابی تولید نشد، آماری هم برای ارزیابی سیاست‌ها وجود نداشت. همه فکر کردند هدف کلا واگذاری است. واگذاری‌ها هم در بدترین شکل انجام شد. دیون دولت با واگذاری‌ها پرداخت شد. قرار نبود دین دولت با واگذاری بنگاه‌ها صورت بگیرد. ۲۲ درصد از واگذاری‌ها، رد دیون بود که مخالف سیاست‌ها بود. ۲۲ درصد سهام عدالت بود. سهام عدالت پروژه‌ای است که اکنون به گفته آقای پورابراهیمی، سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه ۹۵، پشت پرده آن، مفسده شکل گرفته است. فسادی که در شرکت‌های تعاونی برای سهام عدالت ایجاد شده و پشت صحنه، فساد عظیمی دارند. درست است که من نوعی سهام‌دار هستم و برگه دارم اما یک شرکت تعاونی، آن را هدایت می‌کند و با بنگاهی که سهام دارد، زدوبند می‌کند. اکنون هم دولت مانده که سهام عدالت را چه کند. در صورت آزادسازی سهام عدالت، گروهی این سهام را خریداری می‌کنند؛ یکباره می‌بینید بنگاهی را به قیمت پایین‌تر می‌خرند و یک فرد ناشناخته، سهام‌دار بنگاه عظیمی در کشور می‌شود. اگر هم سهام آزاد نشود، بی‌فایده است؛ چون مدیریتش در دست دولت است.

پس باید این هشدار را داد.

بله، این مسئله دغدغه دولت هم هست. طبق بند «د» قرار بود قبل و بعد واگذاری به توانمندسازی برسند. اول باید کمک کنند بنگاه خودش را پیدا کند. بخشی از درآمدی که از واگذاری‌ها حاصل می‌شود هم باید در توانمندسازی بنگاه‌ها هزینه می‌شد. این کارها صورت نگرفت و بسته‌ای برای توانمندسازی بنگاه‌ها تهیه نشد. بنابراین بنگاه‌هایی که واگذار شد، رها شدند. طبق بند «هـ» هم که قرار بود انحصارزدایی شود، نه شاخص داریم و نه مشخص است چه اتفاقی افتاد. درحال‌حاضر اصلا نمی‌دانیم کدام بنگاه‌ها انحصار و کدام شبه‌انحصار هستند. شورای رقابتی در دل قانون ساختیم که قرار بود انحصارزدایی شود و سهولت در تسهیل رقابت انجام دهد. اما این شورا ساختار ضعیفی دارد و کسی حرفش را قبول نمی‌کند. همه جای دنیا شورای ضدانحصار دارند که قدرت ویژه دارد و می‌تواند انحصار را بشکند. شورای رقابت هم ضعیف‌ترین عملکرد را در دولت گذشته و دولت کنونی داشت.

مرکز آمار در دولت قبل، دستکاری آماری داشت. با توجه به این پیشینه، اشاره می‌کنید آمارها تولید نشد؛ می‌شود تعبیر کرد اینها نمایشی است برای پوشاندن اقتصاد فامیلی که همیشه در دولت احمدی‌نژاد بود؟

این کار تنها وظیفه مرکز آمار نبود. دستگاه‌های متولی این ۴۲ شاخص مشخص بود. وزارت صنعت، کار، مرکز آمار، بانک مرکزی و مجموعه‌ای از دستگاه‌ها این وظیفه را داشتند. موجی آمد که همه احساس کردند اصل ۴۴ یعنی واگذاری، دولت هم با سرعت شروع به این کار کرد. بنگاه‌های خوب را عمدتا به مؤسسات عمومی غیردولتی یا شبه‌دولتی‌ها واگذار کرد. بنابراین یکی از مشکلات این است که بنگاه‌های واگذارشده را باید به‌نوعی بازگرداند. چون عملکرد دولت از مؤسسه غیردولتی بهتر است. حداقل در دولت نظارت می‌شود اما در مؤسسات عمومی و غیردولتی، نظارتی نیست.

برای بازپس‌گیری این واحدها تلاشی شده است؟

خیر؛ این کار پروسه سنگینی است. دولت درحال‌حاضر آن‌قدر در این بحث گرفتار شده که بحث‌های مهم‌تر روی دستش مانده است. اکنون از یک طرف، تحت فشار برای اجرای سیاست‌هاست، از طرف دیگر، بنگاه‌های خوب واگذار شده، از طرف دیگر دست دولت برای واگذاری‌ها تا حدودی بسته‌تر است؛ از این نظر که دولت گذشته بهترین بنگاه‌هایی که سودآوری بالایی داشته‌اند را واگذار کرده است. آنهایی هم که مانده‌اند، سودآوری ندارند. دولت دو، سه بنگاه دارد؛ مانند پرسپولیس و استقلال که با چه مکافاتی اداره می‌شود. هیأت واگذاری تصمیم می‌گیرد اما از مجلس یا دستگاه‌های نظارتی جبهه می‌گیرند. بنابراین مشکل اینجاست که سازمان بسیار قوی برای این کار نیاز داشتیم که ایجاد نشد. خصوصی‌سازی، ریل‌گذاری جدیدی در اقتصاد است که یک موتور محرکه سند چشم‌انداز بود. قرار بود بخش خصوصی و تعاونی اقتصاد ایران توسعه پیدا کند. دولت کوچک‌تر شود، آزادسازی اقتصادی اتفاق بیفتد، کسب و کار رونق بگیرد. قرار بود در بخش خصوصی به رشد اقتصادی کمک شود. اصلا بخش خصوصی ایجاد نشد. کل هم‌وغم هشت‌ساله دولت گذشته روی بند «ج» رفت و باقی بندها مغفول ماند. بنگاه که واگذار می‌شد، درآمدها به صورت اقساط باید به خزانه می‌رفت. بخشی از درآمدها هنوز مشخص نیست کجا رفته است. بنابراین پروژه خصوصی‌سازی و اصل ۴۴ در کشور ما بعد از ۱۰ سال زمین خورد. چینی‌ها در سال ۱۹۸۰ شروع کردند، ۱۰ سال بعد توانستند بخش خصوصی‌شان را در ۱۹۹۰ راه بیندازند و در این ۲۰ سال دومین اقتصاد دنیا شدند. اجازه دادند بخش خصوصی، خود را پیدا کند و در ۱۰ سال توانستند خودشان را بالا ببرند و این تلاش‌ها از ۱۹۹۰ به بار نشست، اما ما تا سال ۹۵ بیش از ۱۰ سال است که خصوصی‌سازی را شروع کرده‌ایم و تازه اوضاع بعضی بنگاه‌های واگذارشده بدتر شده است. بازپس‌گیری بنگاه‌های خصوصی‌سازی‌شده، پروژه پیچیده‌ای است. تا زمانی که چیزی نشکسته، راحت است، اگر شکست، وصله‌کردنش مشکل است. دولت در حال تلاش برای پس‌گرفتن بنگاه‌هایی است که رد دیون شده‌اند و معتقد است مجموعه مدیریتی را باید یکپارچه کنند. اکنون دولت درصدد است درون دولت بنگاه‌هایی که بابت رد دیون، واگذار شده‌اند را به‌نوعی سامان دهد. حداقل وزارت نفت با وزارت رفاه به‌نوعی کنار بیاید تا بنگاه را به وزارت نفت برگرداند. تابه‌حال اتفاقی در این مورد نیفتاده است.

بین وزرا مخالفت‌هایی با این تصمیم وجود ندارد؟

در این بخش نه. اما در بخشی که دولت می‌خواهد ورود پیدا کند و مجموعه‌ای از بخش دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند، درون دولت هم مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد. در کل در بازگرداندن بخش‌های واگذارشده از طریق رد دیون در درون دولت، اجماع وجود دارد.

اما این اتفاق، قدرت وزارتخانه دیگر را کم می‌کند. آیا در این صورت مخالفت خواهد بود؟

مجموعه دولت پذیرفته‌اند که مدیریت را یکپارچه کنند. واقعا فاجعه بود که وزارت نفت هشت تکه و به وزارتخانه‌های مختلف واگذار شود و در بحث پتروشیمی می‌بینید که وزیر دفاع نامه می‌نویسد. وزیر دفاع چه ربطی به پتروشیمی دارد؟ در دولت بر سر رد دیون و بازگرداندن بنگاه‌ها اجماع وجود دارد. اما در بحث واگذاری‌ها این‌طور نیست؛ اما درهرحال دولت باید همت کند و تا پایان سال، پروژه واگذاری‌ها را تمام کند.

اشاره کردید آقای طیب‌نیا با وزارتخانه‌های دیگر دچار مشکل شده‌اند.

هم با وزارتخانه‌های دیگر، هم با دستگاه‌های نظارتی و هم به‌صورت نانوشته اتفاقاتی رخ داده. مثلا بنگاهی به هیأت واگذاری می‌رود، کارشناس حسابرسی قیمت A ریال را تعیین می‌کند، وسط کار بعضی نمایندگان مجلس می‌گویند این بنگاه ارزان فروخته شده. دستگاه‌های نظارتی از دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور ورود کرده و متوجه شده‌اند در موجودی انبار، فلان کالا را داشته که دیده نشده است. از طرف دیگر اینها می‌گویند کارشناس رسمی حسابرسی آمده و قیمت‌گذاری کرده است.

یعنی زدوبند شده است؟

خیر، روش‌های مختلف ارزیابی ارزش‌گذاری وجود دارد. بنابراین وقتی کسی ارزش‌گذاری کرد، نباید چندوچون کنیم. چون ممکن است با روش‌های مختلف به اعداد مختلف با فاصله‌های فاحش برسیم. به‌هرحال بنگاه واگذار می‌شود و فرد می‌خواهد وارد بنگاه شود و دیده در آن بنگاه همه به یک نحو اذیتش می‌کنند. نمونه این اتفاق، شرکت آلومینیوم المهدی است. مردم آن شهر از بنگاه قبلی ذی‌نفع بودند و اجازه نمی‌دهند خصوصی‌سازی شود. وزیر اقتصاد، هیأت واگذاری و بنگاه را اذیت می‌کنند. کارگران بنگاه هم نانوشته اذیت می‌کنند. نهادهای مختلف استانی به صورت نانوشته با این فرد کار نمی‌کنند. درحال‌حاضر بنا بر اطلاعات من، وزیر اقتصاد را سر این موضوعات، لای منگنه گذاشته‌اند. آنها می‌خواهند این بنگاه به بخش خصوصی واقعی واگذار نشود، چون راحت می‌شد به مؤسسات عمومی غیردولتی واگذار کنند و صدایی هم درنیاید.

اگر به شبه‌دولتی‌ها واگذار می‌شد، مشکلی وجود نداشت؟

وقتی قرار است به بخش خصوصی واقعی واگذار شود، حرف و حدیث زیاد می‌شود. به مؤسسات غیردولتی که واگذار می‌شود، اوضاع بدتر می‌شود؛ چون شفافیتی هم که بوده، از بین می‌رود. دولت قبل با همین مکانیسم جلو رفت و راحت هم جلو رفت. وقتی می‌خواهید در کشور خصوصی‌سازی کنید، اجازه نمی‌دهند. وزیر را آن‌قدر گرفتار کردند که در اتاق بازرگانی به تنگ آمد. اگر اشتباه نکنم؛ ایشان مطرح کرد که دیگر بریده‌ام. طرف حساب می‌کند فردا این اتفاقات به نامش تمام می‌شود و کسی هم که بنگاه را خریداری کرده، هزینه کرده و قرارداد بسته است. نمی‌دانم چرا کسی نمی‌پرسد قرار بود ۲۵ درصد اقتصاد، سهم بخش تعاون شود؛ چرا نشد؟ قرار بود دولت بزرگ‌تر نشود؛ چرا شد؟ قرار بود انحصارزدایی در اقتصاد صورت بگیرد. تا زمانی که انحصار هست، واگذاری‌ها هم بی‌فایده است. چون رگه‌های اقتصاد ایران دولتی است. شاید یکی از دلایلی که می‌گفتند خصوصی‌سازی‌ها در قالب بورس باشد، به این دلیل بود که میزان فساد اقتصاد ایران از یک خط قرمزی در اذهان بالاتر رفته.

یعنی در واقعیت این‌طور نیست؟

باید دید فساد اقتصاد ایران در مقایسه با دنیا چقدر است. در کشور ما شفافیت کمتر است و به همین خاطر ممکن است فساد بیشتر نباشد اما برداشت‌ها این‌طور باشد. ما نمی‌دانیم در ایران چه کسی چقدر ثروت دارد و از کجا آورده است. در همه جای دنیا رد پای حساب و کتاب‌ها شفاف است، چون مالیات می‌دهند. در مجموع در کشور ما به خاطر دولتی‌بودن، مردم باورشان این است که دولت ترحم دارد، اما بخش خصوصی رحم نمی‌کند. مثلا مؤسسه میزان ورشکست می‌شود، بعد کارمندانش به بانک مرکزی می‌روند؛ چون می‌گویند همه چیز دولت است. اقتصاد ایران ذی‌نفعان زیادی دارد که در مراکز قدرت نفوذ کرده‌اند. وقتی می‌خواهید خصوصی‌سازی کنید، همه اینها ذهنیت اختصاصی‌سازی را به شما می‌دهد. دولت گذشته باوری به بخش خصوصی نداشت و نگاهش عمدتا نگاه دولت‌محوری بود؛ چون آمده بود، حمایت‌های خاص کند و به همین دلیل مسیر اصل ۴۴ را تغییر داد. بحث سهام عدالت و رد دیون مطرح نبود. دولت قبل پروژه اصل ۴۴ را زمین زد. اگر این دولت بتواند مشکلات هشت سال گذشته را جمع کند، هنر کرده است.

یعنی شما معتقد هستید در دولت گذشته اختصاصی‌سازی نشده است؟

شبه‌دولتی‌ها در ذهنیت، همان اختصاصی‌سازی را می‌رساند. شبه‌دولتی یعنی پشت صحنه مدیریت و مالکیت، دست گروهی است. آن هم یک نوع اختصاصی‌سازی است. از نظر من شبه‌دولتی‌ها همان اختصاصی‌سازی است.

عکس: رئوفه رستمی، شرق

ادامه از صفحه ۵

کشاورزی خانوادگی راهی به سوی اقتصاد سبز

به دلیل اهمیت موضوع، سال ۲۰۱۴ به‌عنوان سال کشاورزی خانوادگی از سوی سازمان ملل نامگذاری شد تا به اهمیت کشاورزی خانوادگی به منظور کاهش فقر و بهبود امنیت غذایی در جهان رسمیت بخشد.

در واقع هدف از نام‌گذاری این سال به‌عنوان کشاورزی خانوادگی آن است که با تدوین و ترویج سیاست‌های منطقه‌ای و ملی جدید، گرسنگی و فقر را از طریق کشاورزان کوچک‌مقیاس خانوادگی بهبود بخشد.

غلبه بر گرسنگی شامل توجه هم‌زمان به محرومیت کالری، گرسنگی پروتئین و گرسنگی پنهان ناشی از کمبود ریزمغذی در رژیم غذایی است تا فرصتی فراهم شود که از امنیت غذایی به امنیت رژیم تغذیه‌ای برسد.

برخلاف شرکت‌های بزرگ کشاورزی که تک‌کشتی است، کشاورزی خانوادگی بر کشت محصول، دام، ماهی، جنگل‌داری و سیستم‌های کشاورزی مختلط استوار است. بنابراین، مزارع خانوادگی به راحتی می‌توانند در امنیت تغذیه‌ای و حفاظت از محیط‌زیست تأثیرگذار باشند. کشاورزی خانوادگی خاص یک منطقه در جهان نیست، حتی در کشورهای پیشرفته نیز به دلیل کوچک‌مقیاس‌بودن تولید، کشاورزی خانوادگی شکل گرفته است.

به‌عنوان نمونه براساس گزارش آمار ملی کشاورزی آمریکا که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است ۹۷ درصد از ۲.۱ میلیون مزرعه در ایالات متحده آمریکا به صورت خانوادگی مدیریت می‌شود که در این میان ۸۸ درصد از مزارع، مزارع کوچک خانوادگی هستند. در اروپا، کشاورزی خانوادگی رایج‌ترین مدل کشاورزی عملیاتی بوده و از اهمیت زیادی در اتحادیه اروپا برخوردار است. در حدود ۱۲میلیون مزرعه خانوادگی در اروپا وجود دارد که این مزارع از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و به پایداری اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی مناطق روستایی کمک شایانی می‌کنند.

مزارع خانوادگی در اتحادیه اروپا از نظر اندازه، فعالیت آنها، دسترسی به منابع، درجه یکپارچگی بازار، رقابت و ... بسیار متنوع است. این مزارع در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، اشتغال، کشت دوستدار طبیعت و محیط‌زیست، حصول اطمینان به امنیت غذایی ملی و برآورده‌کردن انتظارات رو به رشد اجتماعی درخصوص ایمنی موادغذایی، کیفیت و استانداردها، منشأ اصلی‌بودن غذا (دستکاری ژنتیکی‌نشده) و تنوع غذا کمک مؤثری کرده و در نتیجه در راستای رشد هوشمند، پایدار و فراگیر کشاورزی و اقتصادی مشارکت و فعالیت می‌کنند. تحت شرایط مناسب و با سیاست‌های حمایتی هدفمند، کشاورزان خانوادگی ثابت کرده‌اند که نوآورانه، مولد و انعطاف‌پذیر بوده و به‌خصوص اگر از آنها پشتیبانی شود به شیوه کشت دوستدار زیست‌محیطی، گرایش می‌یابند.

این باعث می‌شود کشاورزان خانوادگی بازیکنان کلیدی در مقابله با مسائل زمان ما، مانند گرسنگی، غذای سالم، تغییرات آب و هوا و از دست‌دادن تنوع زیستی باشند.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
شرکت ارتباطات زیرساخت

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی / مناقصه شماره ۹۵/۱۵ (نگهداری تاسیسات ساختمانها)

نوبت اول

شرکت ارتباطات زیرساخت درنظر دارد مطابق آیین نامه اجرایی بند(ج) ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی مناقصه گران جهت انجام خدمات نگهداری و راهبری تاسیسات تعدادی از ساختمانها اقدام نماید و متعاقبا پاکات مناقصه پیشنهادی شرکت کنندگانی که امتیاز لازم را در ارزیابی کیفی کسب نمایند را بازگشایی نموده و پس از تعیین برنده مناقصه، نسبت به واگذاری خدمات فوق در قالب انعقاد قرارداد به شرکت واجد شرایط و دارای گواهی صلاحیت معتبر از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مرتبط با موضوع مناقصه با اعتبار کافی از لحاظ زمانی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکتهای واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل می آید.

نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت ارتباطات زیرساخت به نشانی خیابان شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، روبروی خیابان شهید قندی، ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیرساخت، طبقه اول دورنگار: ۸۸۱۱۲۱۴۷

بهای فروش اسناد: مبلغ ۵/۴۵۰/۰۰۰ ریال (پنج میلیون و چهارصدو پنجاه هزار ریال) با احتساب ۹ ٪ مالیات بر ارزش افزوده می باشد که باید توسط مناقصه گران به حساب ۲۱۷۴۸۳۹۰۰۴۰۰۰ شرکت ارتباطات زیرساخت نزد بانک ملی شعبه مخابرات واریز و اصل فیش را به همراه معرفینامه جهت دریافت اسناد تحویل نمایند.

محل دریافت اسناد: ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیرساخت طبقه چهارم اتاق ۴۰۴

زمان و مهلت دریافت اسناد: از تاریخ نشر آگهی تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۹۵/۲/۱۱

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار ۱/۷۷۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و هفتصد و هفتاد و چهار میلیون ریال) می باشد که مناقصه گران می بایست مبلغ فوق را به صورت ضمانت نامه بانکی غیرقابل برگشت بدون قید شرط و با مدت اعتبار اولیه سه ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد و قابل تمدید بنا به درخواست مناقصه گزار برای یک دوره سه ماهه دیگر توسط یکی از بانکهای داخلی به نام شرکت ارتباطات زیرساخت و مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی (فرم پیوست شرایط مناقصه) ضمیمه اسناد مناقصه در پاکت الف تحویل نمایند.

نحوه ارائه پیشنهادات: مناقصه گران می بایست پیشنهاد خود را در چهار پاکت به شرح ذیل تحویل نمایند:

۱ -پاکت ارزیابی کیفی، شامل مستندات مورد نیاز قید شده در اسناد ارزیابی مناقصه

۲ -پاکت الف: حاوی تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار

۳ -پاکت ب: حاوی اسناد مناقصه، مدارک و مستندات مورد نیاز مندرج در شرایط مناقصه

۴ -پاکت ج: حاوی پیشنهاد قیمت

آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۹۵/۲/۲۵

محل و زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی: ساعت ۹صبح روز یکشنبه مورخ ۹۵/۲/۲۶ در محل کمیسیون معاملات واقع در طبقه ۱۵ ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیرساخت (زمان بازگشایی پاکات مناقصه متعاقبا با ارسال دعوتنامه اعلام میگردد)

توضیح: پاکات مناقصه گرانی که در مرحله ارزیابی کیفی امتیاز لازم را کسب ننمایند، بازگشایی نگردیده و به مناقصه گران عودت میگردد و شرکت ارتباطات زیرساخت درخصوص بهای فروش اسناد و هزینه اخذ ضمانت نامه هیچگونه مسئولیتی را ندارد.

م الف ۲۷۵

شرکت ارتباطات زیرساخت